

« سیصلی نارا ذات لهب »

عنوان بحث: «س - به زودی»: قیامت نزدیک است

«س - به زودی»: در «سیصلی» به نکاتی اشاره دارد از جمله:

(الف) وعده می دهد مهلتی که در دنیا به ابولهب داده شده به زودی با مرگ وی تمام می شود و ابولهب گرفتار عذابی زودرس خواهد شد.

(ب) «س - به زودی» در «سیصلی» به این معنا نیست که آن عذاب الان وجود ندارد و بعدا ایجاد خواهد شد ، بلکه چنانکه قبلاً گفته ایم قیامت واقعی است که در پشت حجاب دنیا پنهان است و آنان که مانند ابولهب گرفتار جهل و غفلت اند بعد از مرگ و کشف حجاب طبیعت با آن مواجه می شوند.

(ج) حیات دنیوی در مقایسه با حیات اخروی خواب و لحظه ای بیش نیست.

امام باقر ع فرمود : «جابر! دنیا را برای خود همچون منزلی بدان که قرار است امروز از آن بروی و یا همچون چیز ارزشمندی بدان که در خواب به دست آورده ای و وقتی بیدار می شوی چیزی از آن در دستت نیست؛ و هنگامی که در تشییع جنازه ای بودی، چنان باش که گویی تو را می برند و گویی که از پروردگارت، بازگشت به دنیا را خواسته ای، تا همچون کسی که زندگی می کند به عمل پردازی، که دنیا نزد عالمان همچون سایه است.»^۱

عنوان بحث: سیصلی: چشیدن آتش باتمام وجود

«صلی»: این واژه از ماده ی «صلی» به معنای نزدیک کردن و عرضه ی چیزی بر آتش است تا جایی که بسوزد و یا بریان شود.^۲ یعنی دخول در آتش توأم با لزوم و دوام است. و «سیصلی» یعنی حتما داخل و ملازم با آتش می شود .

بنابراین نتیجه‌گیری از لغات گاهی بر مبنای «معنای مطابقی» لغت صورت می‌گیرد مانند معنای اول. گاهی بر مبنای «معنای تضمنی» که در برگزیده آن نتیجه ای است که از معنا برداشت شده، مانند معنای دوم و گاهی نتیجه‌گیری بر مبنای «معنای التزامی» است مانند چشیدن، یعنی آنکه وارد آتش شود و همراه آن گردد تا جایی که بسوزد و بریان شود.

از هریک از این معانی مطابقی، تضمنی و التزامی مفهومی فهمیده می‌شود که مخالفتی با یکدیگر ندارند.

«سیصلی» بنابر معنای التزامی آن، یعنی: «آتش را با همه وجودش می‌چشد.»
تعبیر «چشیدن» با «دیدن» متفاوت است. «چشیدن» مواجه شدن با حقیقت اعمال است.

چشیدن آتش یعنی آتش وارد دنیای وجود انسان می‌شود و از درون می‌سوزاند «
نار الله الموقده *التي تطلع على الافئدة»^۳ چنین آتشی از پوست و استخوان می‌گذرد و در قلب یعنی مرکز وجود انسان برپا می‌شود و به زوایای درون انسان می‌رسد.

کسی که سوخته می‌شود شعله ای از آتش می‌شود و با آن متحد می‌شود.

عنوان بحث: ناراً: آتش نماد سوختن و از بین بردن حیات

آتش نماد سوختن و از بین بردن حیات است. مثلاً چیزی که در عالم طبیعت می‌سوزد، آبش بخار می‌شود و خشکیده می‌شود بعد به صورت پودر و ذغال سیاهی در می‌آید.

هر چیزی که در عالم دنیا وجود دارد درواقع ظهوری از حقیقتی در عوالم بالاتر است، بنابراین حتی آتش مجرد که می‌تواند موجودات مجرد را و بعد تجرد انسان را بسوزاند وجود دارد.

تصور ما درباره آتش نباید محدود به آتش دنیایی باشد. آتش الهی آن طور که اوصافش در سور قرآنی آمده قابلیت این را دارد که به درون انسان و قلب هم برسد «نار الله الموقده التي تطلع على الافئدة»^۴ حقیقت چنین آتشی یک حقیقت مثالی یا مجرد می تواند باشد.

آتش مثالی محدودیت آتش مادی را ندارد ولی تمثالاتی دارد ظهوراتی مثالی دارد اما آتش مجرد همین شکل و صورت را هم ندارد و مقید به محدوده و ظرفی نیست ، و قابلیت تحقق سوزاندن در دنیای روح و بعد مجرد انسان را دارد.

مقصود از مجرد بودن آتش این است که محدودیتهای آتش مادی و حسی را ندارد و قابل محدود شدن با اشیاء مادی نیست.

آتش اخروی با آتش دنیا تفاوتها ی بسیاری دارد از حیث هویت و صورت، شدت سوزندگی و از حیث دوام .

سوختن حقیقتی است که مانند سایر حقایقی که در قرآن کریم از آنها سخن به میان آمده، ظهورات و صورتهای مختلفی دارد.

حتی ممکن است که یک ظهور آتش و سوختن به صورت زمهریر باشد که نماد سوزش سرماست. البته منظور از زمهریر یخبندان دنیائی نیست بلکه مصادیق اخروی سرماست که در نهایت به تباهی و سوزش منجر می شود .

سوزش می تواند علاوه بر شکل مادی ، شکل معنوی نیز داشته باشد مانند اینکه می گوئیم چه قدر وقتی ماجرای حضرت زهرا سلام الله علیها را شنیدم سوختم. این سوزش در قلب و روح انسان است و یکی از مظاهر حقیقت سوختن است .

در از دست دادن متعلقات خود، احساس عذاب و رنج می کنیم. این از دست دادن درواقع یکی از مظاهر سوختن است که انسان دلش می سوزد و این می تواند یک مصداقی از آن آتش مجردی باشد که قلب و درون انسان را می سوزاند این آتش اصلاً چهره ای مادی ندارد که انسان جلوییش را بگیرد یا محدود به شکل خاصی نمی شود بلکه این درد در درون انسان است و سوزندگی آن هم متناسب با آن بعد مجرد است.

آتش یک حقیقت جامعی دارد که می تواند در اشکال مختلف ظاهر شود. این محدودیت در دنیا است که این صورتهای با هم قابل جمع نیستند مثلاً آتش سوزنده غیر از سرمای سوزناک است و این دو با هم قابل جمع نیستند ولی وقتی حجاب طبیعت کنار می رود، آن حقیقت در همه مظاهر خودش، ظهور می کند. حتی افتادن از بلندی، خرد شدن استخوانها، سوزش پاره شدن شریانها و رگها و هر چیزی نماد حقیقت انهدام و تباهی باشد که همان حقیقت آتش است و سوزندگی و درد را به همراه بیاورد.

تنوع عذابهای جهنم و جهنمیان یکی از شواهد این بحث است. آنها در آتش جهنم هستند ولی انواع عذابها را می چشند: نیش حیوانات، این تنگنا و سختیهای فضایی که در آن هستند، تاریکی و ... اینها همه از مظاهر جهنم هستند. مولا علی (ع) از جهنم و آتش فراق می ترسد.

جهنم را با آتش توصیف می کنیم که یکی از چهره های آن یا شاید اکبر مصادیقش آن باشد که این معنا را برای ما روشن تر و واضح تر بیان می کند.

آتش با چهره باطنی خودش و عذابهای دیگر که در مراتب، چهره های دیگر دارند در یک مرتبه همه با هم یکی می شوند و در تحقق عذاب و فراق اتحاد پیدا می کنند و حقیقت همه همان سوزندگی و تباهی است.

پی نوشت:

(۱) الزهد، ص ۵۰

(۲) مفردات راغب

(۳) سوره همزه آیات ۶-۷

(۴) سوره همزه ، آیات ۶-۷

عنوان بحث : ذات لهب: بیان شدت زبانه کشیدن و سوزندگی

«لهب» به معنی فروزش آتش و زبانه کشیدن و بالا رفتن سریع آتش است.^۱
تعبیر «ذات لهب» به عنوان صفت برای آتش آمده است تا ماهیت آن معلوم شود که آتشی است که «لهب» دارد.

«نارا ذات لهب» به معنی مساوی بودن لهب با آتش نیست به عبارتی نباید «آتش شعله ور» را با «شعله ور بودن آتش» یکی دانست ، بلکه «شعله ور بودن آتش» خود از مصادیق و مظاهر «نار» است که بیانگر شدت زبانه کشیدن و سوزندگی هست. و این خود دلیلی است بر اینکه باید حقیقت آتش را تعمیم داد.

«ذات لهب» می تواند کنایه از طغیان و سرکشی باطن انسانها باشد و به حقیقت اخروی طغیان امیال و شهوات اشاره داشته باشد.

«لهب» زبانه و نقطه ی اوج سوزندگی آتش است بنابراین می توان استنباط کرد جایگاه مخصوصی برای ابولهب در این آتش وجود دارد که «ذات لهب» است یعنی در اوج حرارت و سوزندگی است.

گفتیم که اسم انسانها به دو طریق اعتباری و اختیاری (مبین حقیقت و باطن فرد است) انسان تعیین می شود و گاهی این دو اسم با هم مطابقت پیدا می کنند.

خوبیها و بدیهای بی که در وجود انسان تحقق می یابند هر یک اسمی دارند که درواقع همان اسم اختیاری آدمی است.

«ابولهب» نیز اسم حقیقی خود را در دنیا انتخاب کرد. در واقع شخصیت و حقیقت وجود او در پشت پرده ی طبیعت ، آتشی با زبانه ای سوزنده است

(نارا ذات لهب) که به آن بازگشت می کند . آتشی که شدیدترین مراحل محرومیت و سوزندگی عذاب را دارد.

بدین ترتیب در واقع اسم «ابولهب» به مسمای خودش می رسد و درواقع تبدیل به آتش جهنم می شود و «سیصلی نارا ذات لهب» در مقام بیان این حقیقت است.

قبلاً گفته ایم که «ابولهب» نماد یک راه و روش است و پیام این آیات به شخص «ابو لهب» اختصاص ندارد بلکه پیامی کلی برای همه ی انسانهاست و توجه به این امر خیلی مهم است.

دلیل ارتباط همه ی ما با این آیات آن است که همه انسانها در انتخاب دو راه «خیر و شر» یا «شکر و کفر»^۲ مختارند.

راه شر و کفر و دشمنی با حقیقت انسان و انسانیت که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) است مراتبی دارد که در غایت و نهائی ترین مراتب خود (که ابولهب نماد آن است) به «سیصلی نارا ذات لهب» می رسد.

«نارا ذات لهب» تهدیدی است برای همه ی آنانی که با حقیقت ابولهب متحد می شوند. آیه ی شریفه هشدار می دهد : اگر انسان به این راه قدم گذاشت در معرض خطر رسیدن و افتادن در نهائی ترین مرحله ی آن و هم حقیقت شدن با ابو لهب قرار دارد.

پی نوشت:

(۱) مفردات راغب، ج ۴، ص ۱۶۱

(۲) سوره ی انسان آیه ی ۳